

تحلیل ویژگی‌های کالبدی در سقائفارهای مازندران (همراه با مستندسازی و بررسی تطبیقی سقائفار قادیکلا)

وحید حیدری: مربی، عضو هیات علمی گروه مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

vahidary@semnan.ac.ir

زهرا اسدی: فارغ التحصیل کارشناسی مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان

Maedeasadi3970@gmail.com

چکیده

سقائفارها بناهای چوبی و نسبتاً کوچک هستند که در معماری بومی و کشاورزی منطقه مازندران ریشه دارند و نوع امروزی و تکامل یافته آنها را عمدتاً به عنوان بناهای آئینی و مذهبی می‌شناسیم که به واسطه قداست و احترامی که نزد عامه مردم دارند در محوطه مساجد و تکایای قدیمی برافراشته می‌شوند. این بناهای چوبی مشخصاً در دو اشکوب بنا شده‌اند و شامل تزئیناتی همچون خراطی، نقاشی و خوشنویسی هستند. تاکنون مطالعات متعددی پیرامون ویژگی‌های اسطوره‌ای، آئینی و تاریخی این ابنیه انجام گرفته است که عمدتاً متمرکز بر جنبه‌های مردم‌شناسی آنها بوده است. همچنین پژوهش‌های چندی بر ویژگی‌های کالبدی سقائفارها مانند معماری، سازه و تزئینات انجام یافته است که بعضاً نظریاتی پیرامون فرم کلی پلان، تعداد ستون‌ها و مواردی از این دست و ارتباط آن با برخی ویژگی‌های معنوی را مطرح ساخته که لازم به نقد و ارزیابی است. این پژوهش عمدتاً متمرکز بر ویژگی‌های کالبدی سقائفارها است و بر دو موضوع متمرکز است: یکی بررسی نظریات مطرح پیرامون ویژگی‌های معماری سقائفارهای مازندران و صحت و سقم آنها و دیگری مستندسازی کالبدی یک نمونه سقائفار با هدف ارائه الگویی از شیوه ثبت جزئیات کالبدی این گونه از ابنیه و نحوه بررسی تطبیقی آن با موارد مشابه. جهت انجام این پژوهش ابتدا تلاش گردیده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای پیشینه‌ای از ویژگی‌های شاخص این گونه خاص معماری بومی ایران بیان گردد. سپس به شیوه مطالعات میدانی هشت بنای منتخب از این ابنیه بررسی گردیده و نهایتاً سقائفار قادیکلا به عنوان نمونه مطالعاتی اصلی مستندسازی کامل شده و با بقیه نمونه‌ها مقایسه تطبیقی گردید. بررسی‌ها نشان داد برخی ویژگی‌های مطرح شده در مطالعات پیشین مانند فرم پلان، تعداد طبقات، مصالح اصلی و الحاقی در سازه و تزئینات قابل شناسایی و تابع یک الگوی اصلی و ثابت است و می‌تواند در شناخت اصالت کالبدی سایر نمونه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. لیکن ویژگی‌هایی چون تعداد ستون‌ها و ارتباط آن با مفاهیم معنوی در مذهب تشیع فاقد یک الگوی مشخص و ثابت بوده و تعمیم پذیر نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: سقائفار، سقائفار، معماری مذهبی، معماری بومی، تصویرگری عامیانه

1. مقدمه

سقانفارها که با عناوین دیگری همچون: "سقاتالار"، "سقانپار"، "ساق نفار" و "نفار" نیز شناخته می‌شوند بناهای چوبی نسبتاً کوچکی هستند که مختص معماری بومی منطقه مازندران می‌باشند و از یک سو ریشه در معماری روستایی و بومی (اقتصاد کشاورزی) و از سوی دیگر در معماری آئینی (نیایش آب)، اسطوره‌ای و مذهبی (مذهب شیعه و واقعه عاشورا) مردم منطقه ریشه دارند. همچنین عناوین دیگری همچون: "ساقی نفار"، "ساخ نفار"، "ساخانفار"، "سقاتالار" و... نیز برای این گونه معماری بکار می‌رود که بعضاً متاخر بوده یا گویش محلی می‌باشند (یوسف نیا پاشایی، 1385: 61). سقانفارها در فرم امروزی شان، که به دوران بعد از قاجار بر می‌گردد، عمدتاً به عنوان بنایی مذهبی شناخته می‌شوند و در محوطه مساجد و نکایای قدیمی جای گرفته‌اند. بیشترین نمود کارکرد مذهبی سقانفارها را علاوه بر مورد مذکور می‌توان در تزئیناتشان ملاحظه کرد؛ خصوصاً نقاشی‌های انجام گرفته روی جداره‌های داخلی و سقف بناها. تقریباً می‌توان گفت که همه سقانفارهای کنونی به خاطر حضرت ابوالفضل العباس (ع) ایجاد شده‌اند و نام «سقا» نیز یادآور سقای کربلا در حماسه عاشورا است (رحیم زاده، 1383: 148). اهمیت این واقعه نزد مردم سبب ساخته شدن، توسعه و همچنین نگهداری این ابنیه در خطه مازندران شده است. به لحاظ فضایی سقانفارها از گذشته جایگاه اجتماع مردم خصوصاً جوانان و نوجوانان در ایام معینی مانند روزهای اعتکاف و عزاداری‌های مذهبی خاصه عاشورا بوده است. علاوه بر جنبه‌های آئینی و مذهبی آنچه این ابنیه را منحصر بفرد ساخته ترکیب چندین هنر از جمله معماری، صنایع دستی، نقاشی و خطاطی است که در کل شکل بدیع و منسجمی را بوجود آورده است (عنصری، 1383: 140-139).

عمده تحقیقات انجام شده پیرامون سقانفارها به جنبه‌های آئینی این ابنیه پرداخته‌اند. همچنین بررسی‌هایی نیز به معماری و تزئینات سقانفارها خاصه نقاشی‌های آنها تمرکز یافته که در نوع خود حائز اهمیت هستند. ضمن آنکه برخی ویژگی‌های معماری، سازه‌ای و تزئینی این ابنیه به عنوان الگوی قالب مطرح گردیده که لازم است بررسی شود از جمله فرم پلان، مشخص بودن تعداد ستون‌ها و پیروی آنها از یک الگوی مفهومی، استفاده از چوب به عنوان تنها مصالح اصیل در ساخت سقانفارها و همچنین قابلیت گنجاندن تزئینات آنها در دسته بندی مشخص محتوایی. سقانفارهایی که در این نوشتار معرفی و مورد بررسی کلی قرار گرفته‌اند عبارتند از: سقانفارهای "زعفران کلا"، "کبودکلا"، "کیجاتکیه" و "لدار" در محدوده بابل؛ سقانفارهای "مرزنگو" و "نواحی محله" در محدوده آمل و سقانفار "کمانگر کلا" در محدوده فریدونکنار. همچنین جهت تشخیص ویژگی‌های سبکی و الگوهای معماری، سقانفار قادیکلا در محدوده قائم شهر مستندسازی جامع گردیده و مورد بررسی تطبیقی با سایر نمونه قرار گرفت. نوشتار پیش رو عمدتاً متمرکز بر ویژگی‌های کالبدی سقانفارها است و به تحلیل ویژگی‌های تاریخی و مردم شناسی این ابنیه نمی‌پردازد. در بررسی ویژگی‌های کالبدی، پژوهش پیش رو به بررسی ویژگی‌های سبکی مطرح در تحقیقات پیشین پرداخته و آنها را در بوطه نقد تحلیل می‌نماید و نکات صدق یا عدم صدق آنها را مشخص می‌سازد. ضمن آنکه با مستندسازی جامع یک مصداق موجود به ارائه الگویی در بررسی‌های کالبدی موارد مشابه می‌پردازد.

1-1. پرسش‌های پژوهش

1. ویژگی‌های عمومی و شاخص پیرامون کالبد سقانفارهای مازندران کدام است و این ویژگی‌ها ریشه در چه افکار و اندیشه‌هایی دارد؟
2. برخی ویژگی‌های خاص مطرح شده پیرامون کالبد سقانفارها، مانند تعداد ستون‌ها و ارتباط آنها با اعداد مقدس در مذهب تشیع، چقدر صحت داشته و قابل تعمیم هستند؟
3. چگونه می‌توان از مستندسازی‌های کالبدی و بررسی‌های تطبیقی در راستای تحلیل نظریات مطرح پیرامون معماری سقانفارها بهره جست؟

1-2. روش تحقیق

شیوه این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که به مطالعات موردی و مقایسه تطبیقی نیز می‌پردازد. جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق مبتنی بر سه قسم است. الف) مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات موجود پیرامون موضوع مورد بحث و همچنین مشخص کردن تعاریف، پارامترها و مولفه‌های مورد نظر در بررسی‌ها (ب) مطالعات میدانی و مستندسازی نمونه‌هایی از گونه مورد بحث و بسط یک گزینه به عنوان نمونه معیار. ج) مقایسه تطبیقی نمونه منتخب با سایر موارد جهت سنجش، رد و یا پذیرش تعاریف و پارامترهای مقبول پیشین.

1-3. پیشینه تحقیق

همانطور که پیشتر گفته شد تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون سقانفارها صورت گرفته است که آنها را از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار داده است که به نظر می‌رسد می‌توان این پژوهش‌ها را در قالب سه محتوای کلی دسته‌بندی نمود:

الف) اولین موضوع مورد توجه بررسی تأثیر ریشه‌های اسطوره‌ای، آئینی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در شکل‌گیری سقانفارها است که می‌توان بیشترین تحقیق مربوط از این نوع را در آثار معصومه رحیم زاده ملاحظه کرد: رحیم زاده (1373)، (1382) و (1383) همچنین پژوهشگران دیگری همچون عناصری (1383)، اخگری و امیرکلایی (84-1383)، یوسف نیا پاشایی (1385)، جوادی (1386)، جانعلی زاده و ذال (1389)، رفیعی (1390) و ذال، علی‌نی و همتی (1394) نیز موضوع اخیر را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند.

ب) موضوع مورد توجه دیگر در پژوهش‌های مرتبط با سقانفارهای مازندران متمرکز بر نقش مایه‌های تزئینی این ابنیه خصوصاً نقاشی و همچنین خوشنویسی است. این پژوهش‌ها عمدتاً به تفسیر نقوش از دیدگاه محتوایی پرداخته و آنها را دسته‌بندی کرده و بناهای مربوط را معرفی کرده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به: رحیم زاده (1382)، اخگری و امیرکلایی (84-1383)، محمودی (1387)، محمودی و طاووسی (1387)، محمودی، طاووسی و فرهنگی (1388)، جانعلی زاده و ذال (1389)، ستوده (1392)، کلانتر و گرامیان (1392)، رستمی و باباجان تبار (1393)، کلانتر (1399)، و زارعی، اکبرپور و پایدارفرد (1399) اشاره کرد.

ج) موضوع مورد توجه دیگر در پژوهش‌ها که به نسبت کم تعدادتر است بر معماری، سازه و عناصر ساختاری سقانفارها متمرکز می‌باشد. از جمله موارد قابل اشاره می‌توان به: رحیم زاده (1382)، بزرگ نیا (1384)، یوسف نیا پاشایی (1385)، جانعلی زاده و ذال (1389)، رفیعی (1390)، معماریان و پیرزاد (1391)، ستوده (1392)، احدی (1392)، ذال، علی‌نی و همتی (1394) اشاره نمود.

در این میان نوآوری مقاله پیش رو عمدتاً به بخش مربوط به بررسی‌های معماری و کالبدی سقانفارها مربوط می‌شود. بدین معنی که پژوهشگران علاوه بر شناسایی، مستندسازی و تحلیل هشت نمونه کمتر شناخته شده از این گونه معماری، با بررسی تطبیقی نمونه‌ها با یکدیگر و با یک نمونه شاخص به راستی آزمایی نظریات مطرح شده در تحقیقات پیشین پرداخته و ضمن تصحیح نظریات قبلی، نمونه مستندسازی شده‌ای ارائه می‌دهد که می‌تواند در تحقیقات آتی به عنوان مدل یا الگو مورد استفاده قرار گیرد.

2. مبانی نظری

2-1. ریشه‌ها، تعاریف و مفاهیم کلی

درباره ریشه‌های وجودی سقانفارهای امروزی نظریات متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را به چند دسته کلی تقسیم کرد. از جمله برخی از آنها جنبه‌های معیشتی مرتبط با کشاورزی را عامل اصلی می‌دانند؛ این استدلال ریشه معماری سقانفارها را مستتر در واژه "نقار" می‌داند. نقار یا "نپار"ها گونه‌ای از معماری هستند که می‌توان آنها را نوع کوچکتر، ساده‌تر و نخستین سقانفارها دانست. ابنیه‌ای که بر سر مزارع و کشتزارهای مازندران برپا می‌شده است. این ابنیه که با سوار کردن چند چوب بر روی هم ایجاد می‌شود عموماً در کنار جوی‌های آب یا چاه‌های آبیاری کشتزاران ساخته می‌شود و اشاره به عمارتی دارد که شخص هدایت کننده آب، در آن جای می‌گیرد یا می‌خواهد تا علاوه بر جاری کردن آب به تمامی نقاط شالیزار بتواند از کشتزار در مقابل حمله حیوانات وحشی محافظت نماید (یوسف نیا پاشایی، 1385: 61). تعبیر دیگر از ریشه سقانفار مرتبط با مضمون کنونی آن محتوای مذهبی دارد و با قدری تغییر برگرفته از "ساق نقار" یا "ساقی نقار" تعبیر شده است. بنایی چوبی که جزء لاینفک مجموعه‌های مذهبی (مسجد، تکیه، حسینیه و قبرستان) است (محمودی، طاووسی و فرهنگی؛ 1388: 95). تعبیر اخیر را برخی محققین قدری به عقب برده و ریشه‌های اسطوره‌ای آن را با جنبه‌های مذهبی پیوند داده‌اند: «این ابنیه اغلب در کنار مزارع بوده و مردم برای طلب باران و فراوانی محصول در آنجا به نذر و نیاز می‌پرداختند و متوسل به ایزد بانوی آناهیتا می‌شدند. این نیایشگاه‌ها امروز به سقای دشت کربلا حضرت عباس منسوب شده و بویژه در شهرها و روستاهای شمال ایران فراوان است.» (جوادی، 1386: 13). نظریه اخیر مقبول افتاده و بسط می‌یابد: «در نگرش آئینی به مذهب در منطقه مازندران سقانفار نماد حضرت ابوالفضل و تکیه نماد امام حسین است. به همین دلیل تکایا محل نشستن پیران و سقانفار محل نشستن جوانان است» (معماریان و پیرزاد، 1391: 29). این دیدگاه در تعبیر انواع نقار نیز دیده می‌شود و هر دو جنبه مذکور به یک نسبت پر رنگ می‌گردد: «نقارها را بر حسب مکان استقرار و نوع کاربردشان می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد: 1- دشتی نقار: در جایگاه نگهبانی زمین کشاورزی، 2- باغ نقار: در جایگاه نگهبانی باغ، 3- خانه نقار: در جایگاه نگهبانی انسان و 4- سقانفار: در جایگاه نگهبانی مذهب. از این میان سقانفار را می‌توان مهمترین، شاخص‌ترین و ارزشمندترین نوع نقار دانست.» (رفیعی، 1390: 58). با این توصیفات سقانفار گونه شناخته شده‌تر از نوعی فرهنگ معماری است که ریشه در معیشت و مذهب دارد و گرچه امروزه بعضاً در نواحی شهری قرار گرفته لیکن برگرفته از معماری روستایی است. با این وجود سقانفارهای امروزی فضاهایی با ماهیت کاملاً مذهبی هستند که عمدتاً جهت برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم و صفر استفاده می‌شوند. به لحاظ تعریف معماری «سقانفارها بناهایی دو اشکوبه هستند که بر روی چهار پایه قطور چوبی به فرم چهارگوش فضایی کوچک را در حریم امام زاده‌ها، تکیه‌ها و گورستان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. ارتباط بین دو اشکوبه از طریق پلکان چوبی، که معمولاً در کنار بنا ساخته شده، امکان پذیر است.» (رحیم زاده، 1382: 33).

درباره پیشینه تاریخی انواع نفاها اطلاعات کمی موجود است خاصه استفاده وسیع از چوب، که عنصری نسبتاً کم دوام محسوب می شود، سبب می شود طول عمر آنها نسبتاً کوتاه باشد. چنانچه دو ریشه اصلی تأثیرات اقلیمی (ساخت نفا) و تأثیرات مذهبی (ساخت سقنافار) را مبنا قرار دهیم ریشه اولیه نفاها بسیار کهن است؛ لیکن ریشه سقنافار را میتوان از دوره رشد مذهب شیعه در مازندران دنبال کرد. برخی محققان سیر تحول این ابنیه را چنین حدس زده اند: الف) دوره شروع: حکومت مرعشیان و دوره صفویه؛ ب) دوره اوج: قاجاریه؛ ج) دوره انحطاط: پهلوی دوم و عصر حاضر. با این وجود از سقنافراهای پیش از قاجاری اثری برجای نیست و دوران قاجار به عنوان دوره اصلی رواج و شکوفایی این گونه معماری شناخته می شود: «اکثر این بناهای مذهبی که یادمانی آئینی و تاریخی بوده‌اند در دوره قاجار ساخته شده‌اند (محمودی، طاووسی و فرهنگی، 1388: 75)؛ «سقنافراها بیشتر در زمان قاجاریه ساخته شده‌اند و مانند سقاخانه‌ها در سایر نقاط ایران به غیر از جنبه‌های خدماتی (دادن آب و شربت به عزاداران) دارای جنبه تقدس نیز می باشند» (بزرگ نیا، 1384: 124). ضمن آنکه عمده نوشته‌های بازمانده بر سقف و بدنه سقنافراها که اشاره به تاریخ ساخت، بانی و استادکاران بنا دارد مربوط به دوره قاجاریه است: «تقریباً قدیمی ترین این ابنیه به اوایل دوره قاجار تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه باز می گردد» (ذال، علیی و همتی، 1394: 139 به نقل از یوسف نیا پاشائی، 1385: 60-61).

2-2- بررسی خصوصیات کالبدی و غیر کالبدی سقنافراها

2-2-1- ویژگی های معماری و عملکردی

پیرامون ویژگی‌های معماری و عملکردی سقنافراها تاکنون پژوهش‌های چندی انجام گرفته که تحلیل نمونه‌های مطالعاتی در این تحقیق بدون اطلاع از آنها امکان پذیر نیست از آن جمله به این موارد می توان اشاره کرد: «سقنافار سازه‌ای چوبی است که دو طبقه دارد، این بنا همواره چهارگوش است و ستون های طبقه همکف یا "زیرتخت" پایه‌های طبقه اول هستند. فضای زیرین فاقد دیوار است و از آن به عنوان انبار نگهداری ابزار و وسایل استفاده می شود» (کلانتر و گرامیان، 1392: 92)؛ «سقنافراها عموماً دو طبقه ساخته می شوند که طبقه همکف "زیر تخت" و طبقه فوقانی "سقنافار" نام دارد. سقنافار محل نشستن آقایان، میان حد بلوغ تا 35 سال (قبل از دوره میانسالی) است» (احدی، 1392: 5) در بررسی تعاریف مذکور و تطبیق آن با برخی نمونه های موجود چنین قابل برداشت است که وجود دیوار در طبقه همکف الحاقی بوده و بنا به ضرورت عملکردی مانند کاربری‌های مذکور و یا فرسودگی‌های کالبدی متاخر ایجاد شده و ریشه تاریخی ندارد. لیکن در موضوع دیگر که به نوع استفاده افراد بر حسب سن و جنسیت برمی گردد احتمالاً نوعی انتخاب فرهنگی و منطقه‌ای حاکم است و قاعده‌ای فراگیر وجود ندارد زیرا اطعام و صرف نذوراتی همچون چای و شربت در برخی مناطق در این طبقه انجام می شود و ممانعت سنی در استفاده وجود ندارد.

2-2-2- ویژگی های ساختاری و سازه ای

پیرامون ویژگی های ساختاری و سازه‌ای نیز نظریاتی وجود دارد که در مواردی درست به نظر می رسد و برخی موارد با ابهام مواجه است و یا از دایره شمول کلی خارج است. مثلاً از آنجاکه در ماهیت بومی و اولیه، نفاها ابنیه‌ای ساده و در خدمت کشاورزی بوده اند، بنابراین فرم ابتدایی شان فاقد پیچیدگی‌های سازه‌ای و تزئینی است: «نفاها در بابل به الچیق یا دکه‌ای چوبی که سقفش را با گاله می پوشانند گفته می شود. مانند باغ نفاها که در وسط باغ ساخته می شود» (بزرگ نیا، 1384: 124) از سوی دیگر سقنافراها که ماهیت مذهبی و عمومی تر پیدا می کنند به لحاظ معماری، سازه و تزئینات پیشرفت کرده و در آنها به جزئیات سازه‌ای توجه بیشتری می شود و نام گذاری‌هایی را لازم می شود که در پژوهش های چندی آمده است و به نظر می رسد این اسامی در عمده مناطق مازندران به همین منوال باشد: «1- نعل یا واشان، 2- ستون، 3- سرستون یا کماچه، 4- دست انداز، 5- نال بالای ستون، 6- شیر سر، 7- نگهدار یا واوند (بادبند)، 8- لب بند، 9- شوله ور، 10- تخته، 11- درز پوش، 12- پلور، 13- رواق یا گرد رفاق، 14- سقف یا بوم (بام)، 15- زده (رحیم زاده، 1382: 43). و یا تحقیق دیگری اجزای سازه را تفکیک می سازد: «سقنافراها به لحاظ سازه‌ای از سه بخش تشکیل شده اند: الف) بخش کرسی چینی یا پایه که می‌تواند آجری، سنگی یا چوبی باشد. ب) بخش طبقات که شامل طبقه همکف و اول است و هیچگاه تعداد طبقات سقنافراها از این میزان فراتر نرفته است. ج) بخش پوشش متشکل از دو بخش بام (سقف مسطح) و پشت بام (سقف شیبدار) است (معماریان و پیرزاد، 1391: 35). مطابق تحقیق اخیر و بر اساس تطبیق آن با نمونه‌های اصیل و تاریخی به نظر می‌رسد گزاره تماماً چوبی بودن سقنافراها با توجه به مصالح غیرچوبی مورد استفاده در کرسی چینی نادرست است. مورد دیگر به ارتباط تعداد ستون‌های سقنافار با مفاهیم مذهبی برمی‌گردد که نیاز به بررسی بیشتر داشته به نحوی که پژوهشگر نیز دچار تشکیک می‌گردد: «سقنافراهای مازندران، بنای مقدس خاص سقایی و آب است. هیأت اصیل این ساختمان کاملاً چوبی، دارای 6 ستون در طبقه ی همکف و 12 ستون در طبقه ی فوقانی است... البته با توجه به بررسی های انجام شده نمونه هایی از سقنافراها هستند که از نظر تعداد ستون از قاعده ی فوق تبعی نمی کنند» (جانعلی زاده، ذال، 1389: 127). در چنین مواردی اگر تعداد استثناها اندک باشد می توان آن را خروج از الگو دانست و قاعده مذکور را پذیرفت؛ لیکن موارد نقض فراوان است که در ادامه نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

2-2-3- ویژگی های تزئینی

از جمله ویژگی‌های قابل توجه و منحصر بفرد در سقنافراها یکی آثار چوبی است مانند خراطی که بیشتر از همه‌جا در تیرها، شیرسرها و نال‌ها دیده می شود و دیگری نقوش و خطوطی است که با دو هدف تزئینی و مفهومی عمدتاً در فضای داخلی این ابنیه بکار رفته است. موضوع اخیر بین پژوهش‌های کالبدی جزو مواردی

است که بیشترین تعداد را متوجه خود می‌سازد. نقدهای انجام گرفته پیرامون این نقوش و خطوط عمدتاً به موضوع و محتوا پرداخته و دسته بندی‌هایی را ارائه می‌دهد و در موارد محدودی نیز به فرم و جنبه های بصری پرداخته شده است: «...این مضامین و موضوعاتی گاه در عین برخورداری از عمق معنایی و بار ژرف مفهومی که حامل آند، بسیار ابتدایی و کودکانه ترسیم شده‌اند. شاید یکی از دلایلی که موجب می‌شود تا این نقوش را در ردیف هنر عامیانه قرار دهیم همین سبک ابتدایی در نقش پردازی‌ها باشد.» (رحیم زاده، 1382: 59). توصیف اخیر در عین حال که در بسیاری موارد صادق است به نظر می‌رسد استثنائاتی نیز دارد و برخی آثار از کیفیت خوبی برخوردارند. در مورد خطاطی‌ها نیز این موضوع صادق است و در مجموع می‌توان گفت آثار نقاشی و خطاطی بجا مانده در سقانفارها کیفیت هنری یکدستی ندارند. به لحاظ محتوایی همانطور که پیش تر گفته شد تحلیل‌ها و تفسیرهای بیشتری وجود دارد و لیکن دو نوع دسته بندی کلی وجود دارد: «در یک طبقه بندی مفهومی زمینه های این نقوش به دو دسته جنبه های ملی و مذهبی تقسیم بندی شده اند» (محمودی، طاووسی و فرهنگی، 1388: 76). «در یک دسته بندی جامع تر این نقوش به دو گروه بزرگتر مذهبی و غیر مذهبی تقسیم می‌شود که هر کدام از این دو گروه خود به شاخه ها و دسته های کوچک تری قابل تقسیم هستند» (رحیم زاده، 1382: 60) به نظر می‌رسد دسته بندی دوم شمول بیشتری دارد زیرا موضوعات مربوط به زندگی عامیانه و نقوش گیاهی و حیوانی که فراوان در سقانفارها مشاهده می‌شود را عملاً نمی‌توان در هیچ یک از دسته بندی های ملی یا مذهبی گنجانید.

3. یافته ها

3-1. مطالعات میدانی و ایجاد یک جامعه آماری

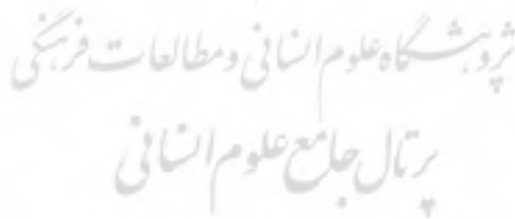
یکی از راه‌های شناخت سقانفارها بررسی نمونه‌های موردی و انجام مطالعات تطبیقی است. براین اساس هشت نمونه از این ابنیه در استان مازندران شناسایی شده و مورد مطالعه و مستندسازی قرار گرفتند که مشخصات آنها مطابق جدول 1 می‌باشد. بر این اساس سقانفارهای انتخاب شده در ایجاد جامعه آماری مورد نظر در یک محدوده مشخص از سه شهرستان همسایه در استان مازندران قرار گرفته اند، شامل: شهرستان بابل 4 نمونه (سقانفارهای زعفران کلا، کیبودکلا، کیجا تکیه و لدار) شهرستان آمل 3 نمونه (سقانفارهای کمانگرکلا، مرزنگو و نوایی محله) و شهرستان قائم شهر 1 نمونه (سقانفار قادیکلا). همچنین مهمترین پارامترهای مورد توجه در بررسی ها این موارد است:

الف) معماری: شامل بررسی فرم پلان، تعداد طبقات و تعداد ستون ها

ب) سازه: شامل بررسی فرم سازه و جنس مصالح اصلی و الحاقی

ج) تزئینات: شامل درودگری، نقاشی و خط (کتیبه و خوشنویسی)

از این میان یک نمونه موردی (سقانفار قادیکلا) به شکل جامع مستندسازی شد؛ با این هدف که بتوان آن را به شکل معیار با بقیه نمونه‌ها تطبیق داد که در بخش های بعدی به آن خواهیم پرداخت.



جدول 1. خلاصه مشخصات سقافارهای مستندسازی شده. ماخذ: نگارندگان

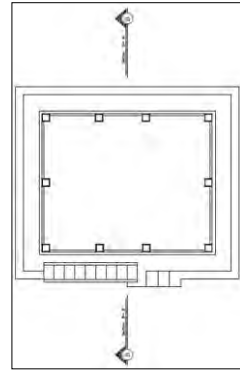
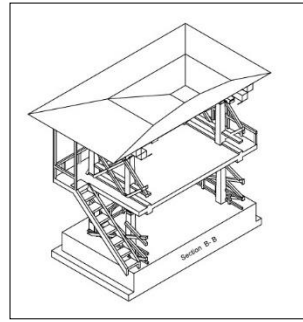
نام سقافار	موقعیت و مشخصات	تصویر کامل	جنس مصالح سازه (اصیل و الحاقی)	مصالح سقف	فرم پلان	تعداد ستون در طبقات	دروغری و نقوش آنها	تزئینات نقاشی	خط، کتیبه سایر تزئینات	منابع
زعفران کلا	شهرستان بابل، دهستان گناب شمالی روستای زعفران کلا		چوب، آجر، سیمان	چوبی با پوشش سفالی	مربع مستطیل	همکف: ندارد فوقانی: ۱۰ عدد ۳۵۴	فقط طبقه بالا: شیرسر، واوند، ترده و... با نقش پرنده و ازدها	نقوش گیاهی، هندسی و اسلیمی بزرگ آبی، قرمز، مشکی و...	ندارد	آرشيو اداره كل ميراث فرهنگي استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
کبودکلا	شهرستان بابل روستای کبودکلا، بانی: آقامیر دروگری: غلامحسین لاسمی و فضل الله خالقی		کاملاً چوبی	چوبی با پوشش سفالی یک گنبد فلزی الحاق شده است	مستطیل	همکف: ۸ عدد فوقانی: ۱۰ عدد ۳۵۴	شیرسر، نال، ستون و... با نقوش: ازدها، خورشید،	نقوش گیاهی، اسلیمی حیوانی، اسطوره ای، مذهبی، زندگی روزمره	کتیبه دارد سال احداث ۱۳۲۶ موضوع خط: اشعار و آیات قرآن	(رستمی و باباجان، ۱۳۹۳: ۹۴). تصاویر: زهرا اسدی
قادیکلا	شهرستان قائمشهر، روستای قادیکلا، تاریخ ساخت ۱۳۴۴ ق، ۱۳۰۴ ش. بانی: کریلایی جعفر قادیکلایی		چوب، آجر، سیمان، گچ	چوبی با پوشش سفالی	مستطیل	همکف: ۱۰ عدد فوقانی: ۱۲ عدد ۴۵۴	شیرسر، نال، سرستون و... با نقوش ازدها و اسلیمی و...	نقوش مذهبی، غیر مذهبی، حماسه کر بلا، زندگی روزمره و...	خوشنویسی با موضوع آیات سوره بقره و همچنین نام متولی و استادکاران و...	آرشيو اداره كل ميراث فرهنگي استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
کمانگرکلا	شهرستان آمل، فریدون کنار روستای کمانگرکلا،		سازه چوبی که بخش های زیادی بازسازی شده است.	چوبی با پوشش سفالی بخش های زیادی بازسازی شده است.	مستطیل	همکف: ۱۶ عدد فوقانی: ۱۶ عدد ۳۵۷	بخش زیادی از سازه کنونی بازسازی شده است. آثار قابل ملاحظه شامل شیرسر، سرستون و... می باشد.	نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و اسلیمی	ندارد	(اخگر و امیرکلایی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). (زال، علیانی و همتی، ۱۳۹۴: ۱۴۲) تصاویر: زهرا اسدی
کیجا تکیه	شهر بابل، محله حمزه کلا، قدمت ۱۳۰۶، ۱۲۸۶ ش بانی: مشهدی محمدعلی خان، تجاری: داداشی نوایی		چوب، آجر، سیمان، فلز	چوبی با پوشش سفالی	مستطیل	همکف: ۱۰ عدد فوقانی: ۱۴ عدد ۵۵۴	دارای ستون، سرستون، نال، تخته کوب یا نقوش مارپیچ، زیگزاگ، دهان اژدری، نوشته های مذهبی	انسان، گیاه، مرغ و ماهی، ازدها، نقوش تلفیقی، رستاخیز و...	خوشنویسی با موضوع بانی و اشعار از محتشم کاشانی. همچنین آجرکاری نما	(ستوده، ۱۳۹۲: ۲۹۶) (رستمی و باباجان، ۱۳۹۳: ۹۴) تصاویر: زهرا اسدی
لدار	شهرستان بابل، بندپی، روستای لدار، تاریخ مصورسازی ۱۳۲۲ ق، ۱۲۸۰ ش		سازه چوبی بازسازی شده	چوبی است با پوشش ورق حلبی	مستطیل	همکف: ۱۰ عدد فوقانی: ۱۸ عدد ۴۵۷	دارای درچوبی، ستون، نال، نقوش ازدها، شیرسر و سرستون	نقوش هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی، اساطیری و...	دارای خطوط و آثار خوشنویسی بوده که محو شده است.	(احدی، ۱۳۹۲) (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹) تصاویر: زهرا اسدی
مرزنگو	شهرستان آمل روستای مرزنگو بخش های زیادی بازسازی شده		چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز	چوبی است با پوشش ورق حلبی	مستطیل	همکف: ۱۶ عدد فوقانی: ۱۶ عدد ۳۵۷	نقوش انسان، ماهی، شیرسر، مارپیچ، ازدها، پرنده، اسلیمی، داستان یونس	فاقد نقاشی است ولی رنگ آمیزی سبز دارد	ندارد	آرشيو اداره كل ميراث فرهنگي استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
نوایی محله	شهرستان آمل، به سمت فریدون کنار، روستای نوایی محله، نمای آن با سنگ نوسازی و محصور شده.		چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز، نمای سنگی	چوبی با پوشش ورق گالوانیزه	مربع مستطیل	همکف: ۶ عدد فوقانی: ۱۴ عدد ۳۵۵	نقوش ازدها، اسلیمی، تصویر خورشید و شیرسر	نقوش متصل حیوانی، هندسی، گیاهی، زندگی روزمره، نقوش مذهبی و اساطیری	خوشنویسی دارد	آرشيو اداره كل ميراث فرهنگي استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی

3-2. مستندسازی جامع سقنفار قادیکلا به عنوان نمونه شاخص

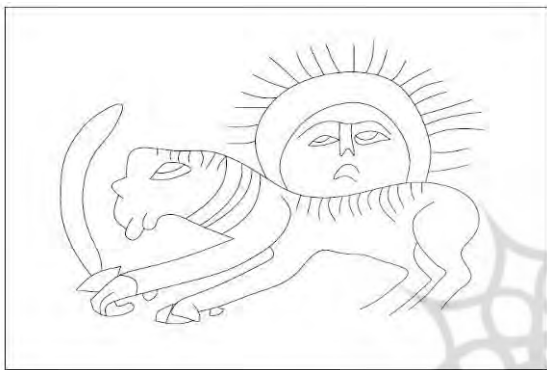
سقنفار قادیکلا در روستای قادیکلا از توابع شهرستان قائمشهر و در محوطه آرامستان روستا قرار دارد. قدمت بنا به استناد تاریخ نوشته شده بر بدنه آن "جمادی الاخر سال 1344" (معادل: 1304 ه.ش) می باشد که با آخرین سال حکومت قاجاریه مطابقت دارد. همچنین نوشته های دیگری در بنا به چشم می خورد که نام بانی بنا و استادکارانی که در ساخت سقنفار مشارکت داشته اند را بیان می کند. از جمله: "باعث و بانی سقناتالار کربلائی جعفر قادیکلایی سنه 1344"; "استاد علی ولی و مرحوم استاد علی اکبر نوائی"; "کربلائی بابا نوائی"; "عمل استاد محمدباقر و مرحوم استاد ذبیح الله لاسمی 1344" "کاتب اسمعیلی روضه خان قادیکلایی جمادی الاخر 1344"; "عمل استاد رجبعلی و استاد علی اکبر لاسمی" و غیره. سقنفار قادیکلا دارای پلانی مستطیل شکل به ابعاد 5*5/80 متر است و بر روی صفه ای پلکانی قرار دارد. بر بالای این سکو ستون های طبقه همکف سقنفار قرار دارند که تعداد آنها به 10 عدد میرسد که 4 ستون در طول و 3 ستون در عرض قرار گرفته اند. ستون های طبقه اول کمی قطور و ساده است و تنها با چند تراش که در نزدیکی سرستون ها داده شده، تزئین گشته اند و در قسمت انتهایی که به سطح زمین نزدیک می شوند، ضخیم تر هستند. سرستون ها متشکل از نقوش اسلیمی و نقش ازدها می باشد. فاصله بین ستون ها به وسیله زده هایی ساده و کم تراش پر شده است. کف طبقه همکف سنگ فرش است که به احتمال قوی بخش هایی از آن نوسازی شده است. تزئینات چوبی بکار رفته در ساختمان شامل شیرسرهایی است که به صورت پلکانی در فضای داخلی و خارجی طبقه همکف سقنفار جای گرفته اند. شکل شیرسرها در پلکان اول با ردیف بعدی متفاوت است، اما هر دو ردیف شیرسرها به صورت دو پرنده پشت بهم یا روبه روی هم ساخته شده است. این تزئینات چوبی زیبا در سقف بیرونی این طبقه نیز به چشم میخورد. دورتا دور فضای داخلی با نقوش گیاهی، آیاتی از سوره بقره، اشکال هندسی و طرح پرندگان بر شیرسرها آرایش یافته است. اما بر سقف این طبقه، برخلاف طبقه فوقانی نقوش تزئینی دیده نمی شود. لازم به ذکر است کاربری طبقه همکف بیشتر برای جمع آوری و پخش ذورات در ایام محرم و صفر و همچنین قرار دادن وسایلی مانند طبل و علم در روزهای عزاداری است.



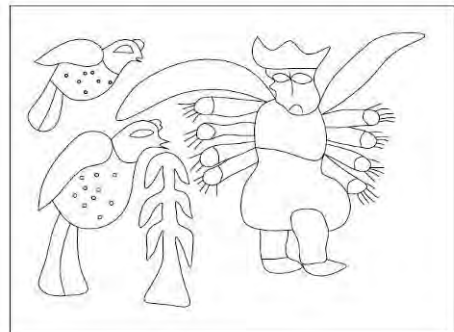
تصاویر 1 و 2. راست: موقعیت آرامستان روستای قادیکلا در کنار جاده قائم شهر به جویبار.
 بناهای محوطه: 1. تکیه، 2. سقنفار، 3. آرامگاه ها و مقابر. ماخذ: google earth
 چپ: نمایی از بنای سقنفار قادیکلا مطابق پلان راهنما. عکس از زهرا اسدی.



تصاویر 3 و 4. سقانفار قادیکلا. پلان و سه بعدی تهیه شده در فرآیند مستندسازی. ترسیمات و مدلسازی از زهرا اسدی.



تصاویر 5 الی 8. مستندسازی تعدادی از نقوش روی سقف سقانفار قادیکلا. موضوع تصویر راست زندگی روزمره و موضوع تصویر چپ شیر و خورشید است. عکس ها و ترسیمات از زهرا اسدی.



تصاویر 9 الی 12. مستندسازی تعدادی از نقوش روی سقف سقانفار قادیکلا. راست: تصویر ملک باران. چپ: نقش ملک در حال حسابرسی به اعمال انسان. عکس ها و ترسیمات از زهرا اسدی.

راه پله‌ای چوبی، در قسمت شمالی، طبقه همکف را به طبقه فوقانی مرتبط می‌کند. در طبقه بالا شاهد ستون‌هایی به نسبت پرکارتر و خوش‌تراش‌تر هستیم؛ به تعداد 12 عدد. اما تراش این ستون‌ها در کنج‌ها قدری متفاوت است. تراش‌ها به شکل مدور ستون را می‌پیماید و زیبایی آن را دوچندان می‌کند. سرستون‌ها و شیرسرها طبقه دوم کاملاً همانند طبقه اول هستند با همان شکل و اندازه و همان طرح و نقش. نقوش تزئینی طبقه بالا بی‌ارتباط با طبقه همکف نیست اما در اینجا نقش‌مایه‌های بسیار ساده و ابتدایی را می‌بینیم که تمامی سقف را آذین بسته‌اند. این تصاویر شامل: نقوش مذهبی و پیامبران، جهان آخرت، صحنه‌های از حماسه کربلا مانند تصویر حضرت ابولفضل درحالی که مشک آب به دست دارد، نقوش اسطوره‌ای، تصاویر جنگ و رزم‌آوری مثل ردیف سربازان و سلاح‌های مورد استفاده در جنگ، تصاویر شکار و زندگی روزمره مانند دامداری، نقش خورشید و همچنین ملک باران، شیر و خورشید، تصاویر فرشتگان در حال رسیدگی به اعمال انسان‌ها، نقش‌مایه‌های گیاهی، هندسی، حیوانی و پرندگان را شامل می‌شود. تمامی نقوش با حداقل تنوع رنگی به تصویر درآمده‌اند. رنگ‌هایی همچون آبی، سبز، قرمز و مشکی. در بعضی نقاط هم سعی شده تا از رنگ چوب در پس‌زمینه، به جای رنگ‌آمیزی تصاویر، استفاده شود. به نظر می‌رسد نوعی خام دستی در اجرای درودگری‌ها و نیز نقاشی‌ها جریان داشته باشد به نحوی که کارهای چوبی با حداقل جزئیات و ظریف‌کاری توسط استادکاران محلی و نیز فرزندان‌شان اجرا شده است و ترسیم‌ها نیز بدون آگاهی از قوانین طراحی و نقاشی همچون سایه روشن و بُعد، به شیوه‌ای بدوی ترسیم شده‌اند. در کنار یکی از این نقوش نوشته‌ای وجود دارد که مشخص‌کننده خالق آن است: "یادگار علی اکبر ولد استاد رجبعلی". جهت مطالعه دقیق‌تر سقانفار قادیکلا به لحاظ کالبدی لازم بود بنا به شکل کامل برداشت، مستندسازی و تحلیل گردد. لذا نقشه برداری از بنا و ثبت جزئیات اجرایی آن به همراه تهیه مدل‌های دو و سه بعدی از بنا انجام پذیرفت (تصاویر 1الی 12). همچنین این فرایند کمک کرد که بتوان بنای مذکور را در مرحله بعد با سایر نمونه‌های مطالعه شده مقایسه نمود که نتیجه آن در بخش بعدی آمده است.

3-3. تحلیل یافته‌ها (بررسی تطبیقی نمونه شاخص با سایر نمونه‌ها)

در این بخش ابتدا یک بررسی کلی روی پلان، نماها، ویژگی‌های سازه‌ای، مصالح و تزئینات سقانفارهای مورد بررسی انجام گرفته سپس سقانفار قادیکلا به عنوان نمونه منتخب با سایر نمونه‌ها مقایسه تطبیقی شد خلاصه این بررسی مطابق جدول 2 است که شرح آن در ادامه می‌آید. لازم به ذکر است در این بررسی تمرکز بر ویژگی‌های اصیل و اولیه بوده است.

الف) پلان: همه پلان‌های بررسی شده به شکل چهارضلعی هستند. لیکن در سقاناتالارهای زعفران کلا و نوائی‌محله پلان‌ها به مربع نزدیکتر است و در سایر نمونه‌ها شاهد پلان‌های مستطیل کشیده هستیم. در نمونه‌های بررسی شده سقانفار کبودکلا از نظر فرم پلان شباهت بیشتری به سقانفار قادیکلا دارد و هردو بنا شاهد اندازه‌های مشابه در طول و عرض و جای گیری ستون‌ها و راه‌پله هستیم.

ب) طبقات و راه دسترسی: تمامی سقانفارها در دو طبقه ساخته شده‌اند. سقانفارهای لدار و کبودکلا اصالت اولیه خود را حفظ کرده‌اند و کمتر دچار تغییرات ظاهری گشته‌اند اما در سقانفارهای کمانگر کلا، کیجا تکیه، زعفران کلا، مرزنگو، نوائی‌محله و قادیکلا شاهد تغییرات اندکی در ظاهر و نمای ساختمان هستیم. راه دسترسی به طبقه فوقانی در همه سقانفارها از طریق راه پله‌های چوبی یا فلزی نوساز امکان پذیر است. در همه سقانفارها راه ارتباطی در بیرون سازه جای گرفته است، فقط در بنای کمانگر کلا شاهد راه پله داخلی هستیم. پله‌ها به سه شکل هستند: 1. پله‌های چوبی: کمانگر کلا، لدار، کبودکلا و قادیکلا؛ 2. پله‌های آجری نوساز: زعفران کلا، نوائی‌محله و کیجانتکیه و 3. پله‌های فلزی نوساز: سقانفارمرزنگو. در میان نمونه‌های مورد بررسی سقانفار کبودکلا، بیشترین شباهت را با سقانفار قادیکلا دارد زیرا در هردو بنا شاهد راه ارتباطی خارجی و چوبی هستیم که در ضلع شمالی جای گرفته‌اند.

ج) مصالح: مصالح غالب در تمامی سقانفارها در فرم اصیل و اولیه چوب است که نشأت گرفته از بوم منطقه مازندران می‌باشد به غیر از بخش کرسی‌چینی که ممکن است از سنگ یا آجر هم ساخته شود. در دهه‌های اخیر و حین مداخلات جدید مصالح دیگری همچون سیمان، آجر، گچ و سنگ نیز در بناها بکارگرفته شده که خلاصه آن بدین شرح است:

- استفاده از مصالح چوب: کمانگر کلا، لدار، کبودکلا
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز: زعفران کلا، کیجانتکیه، مرزنگو
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان، گچ: قادیکلا
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان، گچ، سنگ: نوائی‌محله

د) درودگری و خراطی: تزئینات چوبی در ساختمان سقانفارها شامل ستون، سرستون و کماچه، شیرسر، خراطی‌های سقف و نرده‌های رواق است که در تمامی نمونه‌ها دیده می‌شود. ستون‌های برخی از سقانفارها، خاصه در طبقه همکف، ساده و بدون تراش هستند که این مسئله در سرستون‌های تراش‌خورده و پرکار جبران می‌شود. تمامی سرستون‌ها به شکل دهان‌زدها و خورشید و نقوش اسلیمی به زیبایی و با ظرافتی چشمگیر ساخته شده‌اند. در کماچه‌ها نیز تلاش شده که فرم آن با شکل سرستون‌ها مشابه و هماهنگ باشد. شیرسرها در سقانفارها نقش تزئینی خاصی دارند که بیشتر به شکل دو پرنده خمیده پشت به هم یا یک پرنده خمیده تراشیده شده‌اند؛ و این اشکال در شیرسره‌های داخلی و خارجی هر بنا مشابه است. تنها در سقانفارهای کیجانتکیه سرستون‌ها و شیرسرها با بقیه بناها متفاوت است. در

طبقات همکف و اول شکل تراش شیرسرها از فرم و شکل سرستون‌های طبقه همکف اقتباس گردیده، که به شکل سر اژدها و نقوش اسلیمی است. اما در طبقه فوقانی شاهد سرستون‌های متفاوت هستیم که به صورت خوشنویسی "یا قاضی الحاجات" بر روی آن‌ها به زیبایی و به صورت قرینه حک شده است.

ه) تعداد ستون‌ها: ستون یکی از عناصر مهم در معماری سقنفاها محسوب می‌شود که علاوه بر جنبه سازه‌ای، به شکل نگهدارنده یا حامل، جنبه تزئینی نیز دارد. در واژه سقناتالار که فراوان بجای سقنفا بکار می‌رود بی شک استفاده از کلمه "تالار" در مورد بنایی چنین کوچک متأثر از کاربرد تعداد زیاد ستون است زیرا اساس تالار در معماری بر طرح ستون بندی استوار است. با مقایسه ای که بین هشت سقنفا صورت گرفت، اینگونه برداشت می‌شود که تعداد ستون‌ها در طبقات اول یا دوم بعضاً متفاوت است. در طبقات همکف شاهد بکارگیری تعداد ستون‌های کمتر لیکن قطورتری نسبت به طبقه فوقانی هستیم این امر به دلیل باربر بودن ستون‌های طبقه همکف است که می‌بایست وزن طبقه فوقانی را نیز متحمل شوند. تعداد بیشتر ستون‌ها در طبقه بالا و همچنین نازکتر بودن آنها را می‌توان مرتبط با ماهیت ایستایی و همچنین جنبه تزئینی آنها دانست. در ادامه مقایسه‌ای بین سقنفاها مورد مطالعه در پژوهش آمده است که البته معیار تعداد ستون‌های طبقه بالا است که دارای اهمیت نسبی بیشتری هستند. نتیجه بررسی چنین است:

- دو سقنفا دارای 10 ستون هستند: سقنفا کبودکلا و زعفران کلا که 4 ستون در طول و 3 ستون در عرض تعبیه شده است.
- دو سقنفا دارای 14 ستون می‌باشند: سقنفاهای کيجاتکيه و نوائی محله که 5 ستون در قسمت طولی و 4 ستون در عرض بکار گرفته شده است.
- سقنفا قادیکلا تنها بنایی است که در طبقه دوم خود 12 ستون را جای داده است. 4 ستون در طول و 4 ستون در عرض قرار گرفته است.
- در بنای سقنفا کمانگر کلا شاهد بکارگیری 16 ستون هستیم که 7 ستون در طول بنا و 3 ستون در عرض قرار دارند.
- سقنفا لدار در طبقه دوم خود دارای 18 عدد ستون می‌باشد که مشابه سقنفا کمانگر کلا در طول آن 7 ستون ولی در عرض دارای 4 ستون است.
- سقنفا که بیشترین تعداد ستون را بین این هشت بنا دارا است سقنفا مرزنگو است. در این بنا 20 ستون به چشم می‌خورد که 8 عدد در طول و 4 عدد در عرض قرار گرفته است.

آنچه مشخصاً از تعدد ستون‌ها در نمونه‌های مورد بررسی قابل ارزیابی است تنوع الگوهای مختلف است و نشان می‌دهد این آیتام از الگوی کلی پیروی نمی‌کند. **(و رواق غلام‌گرد):** در شش سقناتالار از مجموع سقنفاهای بررسی شده شاهد ساخت رواق هستیم. سقنفاهای زعفران کلا و لدار فاقد غلام‌گرد یا همان رواق یا گردرفاق هستند. در سقنفاهای کمانگر کلا، مرزنگو، کبودکلا و قادیکلا غلام‌گرد دیده می‌شود که با نرده‌هایی ساده یا مختصر تراش خورده چوبی احاطه گشته‌اند. همچنین شکل دیگری از رواق نیز وجود دارد که در بناهای کيجاتکيه و نوائی محله وجود دارد که این رواق‌ها، فضای خالی هستند که مابین سازه چوبی و دیوارهای ساختمان قرار گرفته و به شکل غلام‌گرد یا همان رواق دیده می‌شود. البته این تغییر تا حدود زیادی ناشی از الحاقات و تغییرات بعدی ایجاد شده در این دو بنا می‌باشد.

ز) نقاشی و خوشنویسی: در بین سقنفاهای مورد بررسی موارد گوناگونی مرتبط با بکارگیری نقش و خط وجود دارد که می‌توان آنها را در سه دسته جای داد: سقنفاهایی که دارای نقاشی هستند، مانند: زعفران کلا، کمانگر کلا و کبودکلا؛ سقنفاهایی که دارای نقاشی و خوشنویسی هستند مانند: کيجاتکيه، قادیکلا، لدار و نوائی محله و سقنفاهایی که بدون هرگونه نقوش تزئینی می‌باشند؛ مانند: سقنفا مرزنگو. همچنین رنگ‌های مورد استفاده در این نقوش بیشتر رنگ‌های اصلی و کمتر ترکیبی هستند. از جمله سیاه، سفید، سبز، آبی، قرمز و زرد. خوشنویسی‌ها اغلب داخل یک قاب نوشته می‌شدند و به رنگ سیاه یا سفید با دورگیری سیاه هستند.

4. نتیجه گیری

سقنفاها از پیشینه‌ای بسیار کهن هستند که ریشه در اقتصاد، فرهنگ و آئین‌های منطقه‌ای مازندران دارد. لیکن سقنفاها بجای مانده عمدتاً با اهداف مذهبی ساخته شده و در ارتباط با مراسم عزاداری محرم و صفر و گرامیداشت حضرت عباس (ع) هستند و تاریخ ساخت بیشتر نمونه‌ها به دوران قاجار به این سو می‌رسد. تاثیر ریشه‌های فرهنگی و مذهبی را بیش از هرچیز در نقوش و نوشته‌های سقنفاها می‌توان ملاحظه کرد که البته پژوهش‌های چندی راجع به آنها انجام شده است. آنچه کمتر مورد بررسی قرار گرفته ویژگی‌های معماری این ابنیه است که در این نوشتار قدری به آن پرداختیم. بررسی فوق، که خلاصه آن در جداول 1 و 2 آمده است، نشان داد برخی فرضیه‌ها درباره معماری و ساخت سقنفاها صحیح است مانند فرم پلان مستطیل شکل و تعداد طبقات که در همگی 2 طبقه است. همچنین به نظر می‌رسد به استثنای استفاده از سنگ و آجر در کنار چوب در کرسی چینی و استفاده از سفال در پوشش نهایی بام، مصالح ساخت اصلی تمامی این ابنیه چوب بوده است و استفاده از سایر مصالح الحاقات متاخر است که یا به ضرورت کاربرد و یا در اثر تعمیرات بعدی ایجاد شده است.

از جمله نظریات اشتباه در پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون سقنفاها ثابت بودن تعداد ستون‌ها در طبقات است و همانطور که ملاحظه شد تنوع زیادی در این خصوص وجود دارد؛ به همین دلیل ارتباط تعداد ستون‌ها به اعداد مقدس مذهب شیعه را نمی‌توان به عنوان یک اصل پذیرفت. همچنین در مورد نقوش تزئینی و

نوشته‌ها بررسی نشان داد مهمترین تزئین در تمامی سقنقارها در درجه اول خراطی است که در تمامی نمونه‌ها وجود دارد. نقاشی‌ها که در اکثر نمونه‌ها دیده می‌شود به لحاظ محتوایی در دو قالب مذهبی و غیر مذهبی قابل دسته بندی هستند و به لحاظ بصری کیفیت یکدستی نداشته و در بعضی نمونه‌ها به لحاظ طرح و رنگ قوی تر و در نمونه‌هایی ضعیف تر هستند. آثار خط و خوشنویسی نیز به نسبت در نمونه‌های کمتری دیده می‌شود و مانند نقاشی کیفیت یکدستی ندارد. سایر تزئینات همانند آجرکاری که تنها در سقنقار کيجا تکیه دیده شد تزئینی متاخرتر است که اصالت تاریخی ندارد مانند کاشی کاری که در نمونه‌های دیگری دیده می‌شود.

در آخر پیشنهاد می‌شود، همانطور که در نمونه سقنقار قادیکلا انجام شد، با توجه به اهمیت و تنوع فراوان این گونه معماری در سرزمین مازندران تعداد بیشتری از این آثار مستندسازی کامل و تحلیل شود تا بتوان تحلیل‌های دقیق‌تری پیرامون این ابنیه ارزشمند بدست آورد.

فهرست منابع

- احدی، آزاده (1392): *بررسی ساختار سقنقار لدار*، مجله اثر، شماره 64، ص 1-14.
- اخگری، محمد و امیرکلایی، ابراهیم (1383-84): *سقنقار، یادمان مذهبی و سنتی مازندران*، فصلنامه فرهنگ و مردم ایران، شماره‌های پنجم و ششم، ص 85 الی 108.
- بزرگ نیا، زهره (1384): *تکایا در بافت قدیم شهر بابل*، کتاب ماه هنر، شماره 83 و 84، ص 120-128.
- جانعلیزاده چوب بستنی، حیدر و ذال، محمد حسن (1389): *سقنقار نماد معماری اسلامی، کارکردهای دینی و اجتماعی سقنقار در مازندران*، دو فصلنامه کاوش های دینی، سال سوم، شماره 6.
- جوادی، شهره (1386): *اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت، آب، درخت و کوه*، مجله باغ نظر، شماره 8، ص 12-21.
- ذال، محمدحسن؛ علیی، میثم و همتی ازندریانی، اسماعیل (1394): *تداعی معانی و انتقال مفاهیم شیعی در معماری آئینی (مطالعه موردی سقنقارهای آمل)*، فصلنامه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، سال 6، شماره 18، ص 133-154.
- رحیم زاده، معصومه (1372): *سقنقارها، نوعی معماری آئینی*، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره 5، ص 132-136.
- رحیم زاده، معصومه (1382): *سقنقارهای مازندران، منطقه بابل، وجهی از معماری آئینی*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) و اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران.
- رحیم زاده، معصومه (1383): *پیوست و گسست سنت در بناهای آئینی*، نشریه نامه فرهنگ، شماره 52، ص 142-151.
- رستمی، مصطفی و باباجان تبار، فاطمه (1393): *مطالعه ای بر عناصر بینامتنی و پیش‌متن‌های اسطوره‌ای و مذهبی در سقنقارهای مازندران (مطالعه موردی سقنقارهای کيجاتکیه، شیباده، کبودکلا، کبری کلا، چمازکلا)*، دو فصلنامه پژوهشی-تحلیلی مطالعات هنر بومی، شماره دوم، ص 91-112.
- رفیعی، زهرا (1390): *روند تحولات نثار در معماری بومی مازندران*، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره 19، سال هشتم، ص 55-64.
- زارعی، علی؛ اکبرپورکامی، مرضیه و پایدارفر، آرزو (1399): *بررسی نقش ماه‌های اسطوره‌ای-بومی سقنقارهای شرق مازندران (مطالعه موردی سقنقار شیباده، لدار و شاهزاده رضا)*، مطالعات باستان شناسی دوره اسلامی، سال اول، شماره 1، ص 156-169.
- ستوده، منوچهر (1392): *از آستارا تا آستاریاد، جلد چهارم (آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- عنصری، جابر (1383): *تاثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه های مذهبی ایران*، فصلنامه شیعه شناسی، سال دوم، شماره 7، ص 121-146.
- کلاتر، علی اصغر و گرامیان، عظمت السادات (1392): *بررسی دقیق خواستگاه نقوش سقنقارها در آموزه های تشیع*، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال یازدهم، شماره 43، ص 87-116.
- کلاتر، علی اصغر (1399): *کارکردشناسی تحلیلی سقنقارهای مازندران بر اساس مضامین تزئینات با رویکرد ادبیات تعلیمی*، نگره، شماره 56، ص 71-78.
- محمودی، فتانه (1387): *مضامین دینی در نقوش سقنقارهای مازندران*، مجله کتاب ماه هنر، شماره 18، ص 80-87.
- محمودی، فتانه و طاووسی، محمود (1387): *مضامین تصاویر انسانی در سقنقارهای مازندران، بررسی تطبیقی نقوش سقنقارهای شیباده و کردکلا*، شماره 36، ص 67-76.
- محمودی، فتانه؛ طاووسی، محمود و فرهنگی، علی اکبر (1388): *تجلی هویت ملی در هنر ایران با رویکردی به مضامین نقش مایه های تزئینی سقنقارها در مازندران*، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره 37، ص 75-98.
- معماریان، غلامحسین و پیرزاد، احمد (1391): *نگاهی به معماری بومی سقنقارها*، ص 29-44.
- یوسف نیا پاشایی، وحید (1385): *سقنقار و اهمیت آب، شیرسر و کماچه سر*، کتاب ماه هنر، ص 58-70.

آرشیو و مراکز اسناد

آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران: پرونده ثبتی سقنقارهای زعفران کلا، کبودکلا، کمانگرکلا، کيجاتکیه، لدار، مرزنگو، نواحی محله و قادیکلا.